

## نقش شهرهای کوچک در بهبود کیفیت زندگی روستاهای پیرامون مطالعه موردی: بخش رونیز - شهرستان استهبان

سعیدرضا اکبریان رونیزی\* - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شیراز  
مرتضی محمدپور جابری - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان  
فرخنده سپهوند - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران

پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۱۰/۱۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۳/۱۶

### چکیده

محققان بر این باورند که توسعه و تقویت کانون‌های کوچک شهری می‌تواند زمینه بهبود کیفیت زندگی و توسعه نواحی روستایی پیرامون را در ابعاد مختلف فراهم کند. مقاله حاضر به تبیین نقش شهر رونیز در بهبود کیفیت زندگی روستاهای پیرامونی آن پرداخته است. روش‌شناسی این تحقیق توصیفی، و تحلیلی-پیمایشی است و داده‌های آن با استفاده از ابزار پرسشنامه گردآوری شده است. جامعه آماری این پژوهش خانوارهای محلی در ۸ روستای پیرامون شهر رونیزند که ۳۲۰ سرپرست خانوار به‌عنوان حجم نمونه تعیین شدند. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS انجام شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهند که شهر رونیز توانسته است در حوزه‌های کیفیت محیط، مسکن، سلامت و بهزیستی، همبستگی، تثبیت جمعیت، فرهنگ و آموزش، و کیفیت زیرساخت‌ها در روستاهای اطراف خود بهبود ایجاد کند و فقط در دو مقوله تفریح و اوقات فراغت، و اشتغال و درآمد بهبود چندانی فراهم نیاورده است. در تحلیل نقش رونیز در بهبود هر یک از حوزه‌های مطالعاتی، بیشترین بهبود به ترتیب مربوط به حوزه‌های کیفیت زیرساخت‌ها، سلامت و بهزیستی فردی و آموزش و فرهنگ است. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهند که میزان فاصله از شهر رونیز عامل مؤثری بر سطح کیفیت زندگی روستاهاست.

کلیدواژه‌ها: توسعه روستایی، شهر رونیز، شهرهای کوچک، کیفیت زندگی.

## مقدمه

هر منطقه شهری یا روستایی، نظام سکونتگاهی پراکنده و بی‌ارتباطی نیست، بلکه شبکه‌ای به هم پیوسته از روابط اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی است. این فرایند ارتباطی از طریق روابط بین نقاط روستایی و شبکه شهری شکل می‌گیرد (کلانتری، ۱۳۸۰، ۲۳۵). در چند دهه اخیر، بسیاری از تحولات و تغییرات در سکونتگاه‌های شهری و روستایی تحت تأثیر روابطی بوده است که بین این سکونتگاه‌ها وجود دارد.

نقش شهرها در توسعه روستایی از طریق پیوندها و مناسبات روستایی-شهری تحقق می‌یابد. در پارادایم‌های جدید توسعه، شبکه‌ها و جریان‌ها در نظر گرفته می‌شوند، چون اگرچه جریان‌ها و پیوندهای روستایی-شهری ممکن است برای برخی نواحی مناسب باشند، ولی باید توجه داشت که منافع خالص می‌تواند به شیوه‌های مختلفی جریان یابد و با گذشت زمان یا تغییر مکان، تفاوت یابد (لینچ، ۱۳۸۵، ۵). در این بین کانون‌های کوچک شهری، نخستین هسته‌های شهری و بلافاصله نقاط و نواحی روستایی و حلقه اتصال نواحی روستایی با شهرهای بزرگ‌تر قلمداد می‌شوند (فنی، ۱۳۸۲، ۴۴). نظر هیندردینک و تیتوس این است که به‌رغم آنکه نقش شهرهای کوچک در مناسبات روستایی-شهری بسیار مهم‌اند، ولی غالباً نقش آنها در این زمینه نادیده گرفته می‌شود (Hinderdink and Titus, 1998, 49). این‌گونه شهرها در روند رشد روستاها بسیار مؤثرند و در اطراف‌شان خدمات گوناگونی فراهم می‌آورند. راهبرد توسعه و تقویت شهرهای کوچک از آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی در کانون توجه قرار گرفت، به‌گونه‌ای که در کنفرانس‌های بین‌المللی جمعیت و آینده مناطق شهری در شهر رم، بر لزوم عدم تمرکز و توسعه شهرهای کوچک تأکید شد (جعفرزاده راستین، ۱۳۶۶، ۲۶).

تجربیات جهانی بیانگر آن است که حل مسائل نواحی محروم روستایی، تحقق اهداف سیاست تعادل در توزیع فضایی جمعیت، و توسعه مناطق، منوط به حمایت جدی از شهرهای کوچک است. این شهرها محرک توسعه روستایی، متعادل‌کننده نظام اسکان و بالاخره فراهم‌کننده زمینه‌های تحقق توسعه پایدارند (تقوایی و رضایی، ۱۳۸۷، ۳۹). باید در نظر داشت

که توسعه روستایی فرایندی چندبعدی است که هدف اصلی آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی ساکنان روستایی است. کیفیت زندگی در نواحی روستایی بستگی زیادی به عوامل گوناگون فضایی و مکانی دارد (Parker and Moore, 2008, 235).

تاکنون راهبردهای بسیاری برای توسعه روستایی مطرح شده، که توسعه و تقویت شهرهای کوچک یکی از آنهاست. شهرهای کوچک با ایجاد فرصت‌های شغلی غیرزراعی و ارائه خدمات، در کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ‌تر مؤثرند و زمینه توزیع متعادل جمعیت، امکانات و سرمایه را فراهم می‌آورند (افتخاری و ایزدی خرامه، ۱۳۸۱). کانون‌های کوچک شهری، امکانات و خدمات گوناگونی به نواحی روستایی پیرامون خود ارائه می‌کنند و به همین دلیل در بهبود کیفیت زندگی اجتماعات روستایی بسیار مؤثرند. از این رو در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی، تقویت و رشد شهرهای کوچک را نمی‌توان نادیده گرفت. شهرهای کوچک را می‌توان به‌مثابه مراکزی قلمداد کرد که نقش بسزایی در تقویت محرک‌های رشد و توسعه نواحی روستایی حوزه نفوذ خود دارند.

در کشور ما نیز توسعه و تقویت شهرهای کوچک به‌مثابه راهبردی مهم در مباحث توسعه شهری و روستایی به‌شمار می‌آید که اغلب با هدف بهبود کیفیت و استانداردهای زندگی در نواحی روستایی، کاهش مهاجرت به شهرهای بزرگ، و جذب مهاجران در شهرهای کوچک به آن توجه شده است. بررسی تعداد شهرهای کشور طی دوره ۹۰-۱۳۳۵ آشکارا نشان می‌دهد که نقاط روستایی بزرگ و پرجمعیت باشتاب به نقطه شهری تبدیل شده‌اند، به طوری که تعداد شهرهای کشور از ۱۹۹ نقطه شهری در سال ۱۳۳۵ به ۱۳۳۱ نقطه شهری در سال ۱۳۹۰ رسید، و به‌طور متوسط در هر سال ۲۰/۵ شهر به شبکه شهری کشور اضافه شد. توجه به عملکرد و کارایی این نقاط شهری در بهبود کیفیت زندگی در نواحی روستایی پیرامون، اهمیت بسزایی دارد چراکه کیفیت زندگی در نواحی روستایی از یک طرف متأثر از عوامل، فعالیت‌ها و تحولاتی است که درون نواحی روستایی رخ می‌دهند و از طرف دیگر تحت تأثیر عوامل بیرونی‌ای است که روستا و زندگی ساکنان آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تاکنون مطالعات

گوناگونی در مورد نقش شهرهای کوچک و تبدیل روستاها به شهر در توسعه نواحی روستایی انجام شده است، که از جمله می‌توان به اینها اشاره کرد: فنی (۱۳۷۵)، مرندی (۱۳۸۷)، ایزدی‌خرامه (۱۳۸۰)، قادرمرزی (۱۳۸۰)، شیخی (۱۳۸۲)، حسینی حاصل (۱۳۸۷)، محمدی ده‌چشمه (۱۳۸۷)، رضوانی و دیگران (۱۳۸۹). پژوهش حاضر نیز با هدف تبیین نقش شهر رونیز - از توابع استان فارس، شهرستان استهبان- در بهبود کیفیت زندگی ساکنان روستاهای واقع در بخش رونیز و به‌منظور پاسخگویی به این پرسش‌ها تدوین یافته است:

- آیا رونیز توانسته است به‌عنوان یک کانون کوچک شهری نقش مؤثری در بهبود کیفیت زندگی ساکنان روستاهای پیرامون خود ایفا کند؟
- تفاوت نقش و عملکرد شهر رونیز در بهبود کیفیت زندگی در بین روستاهای پیرامونی چیست؟

## ملاحظات نظری

ایده گسترش شهرهای کوچک و متوسط نخستین بار در سال ۱۹۶۳ میلادی در دومین کنگره ریهوت<sup>۱</sup>، که مفهوم کشاورزی صنعتی را برای تمرکززدایی ملی از طریق تمرکزگرایی منطقه‌ای بررسی می‌کرد، مطرح شد (Weitz, 1965, 92) و از آن زمان به‌عنوان راهبردی برای ایجاد الگوی مناسب اقتصادی و فضایی هدایت‌شده مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفت (Lin, 1993, 332).

در مطالعات جدید برنامه‌ریزی فضایی، بر نقش شهرهای کوچک در فرایند توسعه منطقه‌ای و ملی تأکید می‌شود. فرض بر این است که این شهرها به‌عنوان واسطه بین مناطق روستایی با شهرهای بزرگی که تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و اداری متمرکز دارند، عمل کنند (Tuerah, 1997, 10). نیل هسنس در تبیین نقش شهرهای کوچک در توسعه ملی، شهرنشینی

---

1. Rehovoth

شکل گرفته از پایین (سیاست از پایین) را که توسعه شهرهای کوچک و میانی را در بر دارد، وسیله میسر و عملی برای توسعه کشورهای در حال توسعه برمی‌شمارد، که هدف آن کمک به رفع نیازهای اندک روستایی در مجاورت زندگی آنان است (باقری، ۱۳۷۵، ۸۵).

جانسون (۱۹۷۰) موضوع شهرهای کوچک و ارتباط آنها با توسعه روستایی را برای نخستین بار در فضای برنامه‌ریزی منطقه‌ای در نظر می‌گیرد و بیان می‌کند که برای ادغام اقتصاد روستاها با اقتصاد شهرهای بزرگ، وجود شهرهای کوچک‌تر ضروری است (زبردست، ۱۳۸۳، ۲۵). از طرفداران جدی این دیدگاه، دنیس راندینلی است که با همکاری رادل در سال ۱۹۷۸، بحث عمیق و گسترده‌ای را در این زمینه با تألیف کتاب «عملکردهای شهری در توسعه روستایی» فراهم آورد (فنی، ۱۳۸۲، ۱۶). راندینلی بر نقش توسعه‌ای شهرهای کوچک و متوسط در تأمین دامنه‌ای از خدمات برای حوزه نفوذشان تأکید می‌ورزد (Hinderdink and Titus, 1998).

این اعتقاد وجود دارد که راهبرد توسعه شهرهای کوچک می‌تواند اهداف اساسی توسعه روستایی را که کاهش مهاجرت به شهرها از طریق ایجاد زمینه‌های مناسب کار و زندگی در محیط‌های روستایی، کاهش فاصله عملکردی بین شهرها از طریق ایجاد روستا شهرها به‌عنوان مراکز فعال روستایی، و جلب مشارکت مردم در فعالیت‌های مربوط به توسعه است، محقق سازد (ایزدی خرامه، ۱۳۸۰، ۹). در همین زمینه، اغلب کشورهای رو به رشد معتقدند که عدم توازن و تعادل در اسکان جمعیت کشورشان ناشی از جریان نامطلوب و غیرمنطقی مهاجرت به شهرهای بزرگ است. با اطمینان می‌توان پذیرفت که شهرهای کوچک با زمینه‌سازی و فراهم آوردن شرایط مساعد، می‌توانند در برقراری نظام منطقی سلسله‌مراتبی از حیث جمعیت و کارکرد در یک منطقه، موفق باشند. با تقویت و توسعه این شهرها، ظرفیت پذیرش جمعیت آنها افزایش می‌یابد و به سبب قرار گرفتن‌شان بر سر راه مهاجرهای روستایی، جریان مهاجرتی را به

سوی خود و دیگر نقاط کوچک شهری، هدایت می‌کنند (فنی، ۱۳۸۲، ۴۵).

در کنار نقشی که شهرهای کوچک در تعادل نظام سکونتگاهی دارند، توجه به این موضوع مهم است که امکانات رفاهی در کشورهای در حال توسعه عموماً به‌طور نامساوی توزیع می‌شود و امکانات و خدمات معمولاً در شهرهای بزرگ متمرکز می‌شوند. مطابق نظریه عدالت اجتماعی، تسهیلات عمومی همچون تعلیم و تربیت و امکانات بهداشتی باید در دسترس همه شهروندان باشند، از جمله کسانی که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. کسانی که از نظریه مکان مرکزی الهام گرفته‌اند، شهرهای کوچک را مکان‌های مناسبی برای ارائه این‌گونه خدمات به مناطق روستایی برمی‌شمارند (Tuerah, 1997, 15)، که در صورت توسعه و تقویت می‌توانند خدماتی را در زمینه ایجاد بازار، تأمین نهاده‌های کشاورزی، خدمات شهری همچون امکانات آموزشی و تحصیل، مراقبت‌های پزشکی و مانند اینها برای حوزه روستایی خود فراهم آورند (امکچی، ۱۳۸۳، ۱۰۰). سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در سطح ملی و بین‌المللی نیز همواره بر نقش شهرهای کوچک در بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها تأکید دارند (UNFPA, 2007). از این‌رو در بیشتر کشورهای در حال توسعه جهت‌گیری به‌سوی شهرهای کوچک یا روستاها با اهداف بهبود رفاه و کیفیت زندگی مردم در شهرها و روستاهای اطراف، کاهش نابرابری‌های بین سکونتگاه‌ها، کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ، و تمرکززدایی از نظام تصمیم‌گیری، به یکی از وجوه مشخص سیاست‌های برنامه‌ریزی و عمران منطقه‌ای تبدیل شده است.

## کیفیت زندگی

مفهوم کیفیت زندگی عمدتاً به‌عنوان رضایت از زندگی، خوشبختی و سعادت، و رفاه و آسایش شناخته می‌شود و سطح تحقق نیازهای انسان را منعکس می‌کند (Zielinska et al., 2010, 1). مطالعات بیانگر آن است که اصطلاح کیفیت زندگی نیز همانند مفهوم توسعه تا اندازه‌ای مبهم

است، از یک سو کیفیت زندگی فردی به‌عنوان پنداشتی از چگونگی گذران فرد مطرح می‌شود و از بعدی کلی‌تر کیفیت زندگی موقعیت‌های زندگی را در مکان‌های مختلف حول یک عامل شامل می‌شود. این موقعیت‌ها شامل محیط پیرامونی یا فرهنگ در جامعه‌ای معین می‌شوند (Pal & Kumar, 2005, 217). به‌رغم تکثرگرایی مفهومی و عملیاتی، کیفیت زندگی اساساً مفهومی چندبعدی است (McGillivray, 2007, 41) که با توسعه اقتصادی-اجتماعی و بهبود و بهسازی سطوح زندگی شناخته می‌شود و ویژگی‌های کلی اجتماعی و اقتصادی یک ناحیه را نشان می‌دهد، لذا می‌تواند به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه‌ریزی توسعه اجتماع به‌کار رود. بر اساس دیدگاه پال، کیفیت زندگی به‌عنوان معیاری برای سنجش میزان برآورده‌شدن نیازهای روحی - روانی و مادی تعریف شده و از کیفیت زندگی روستایی نیز به‌عنوان مفهوم چگونگی شرایط و وضعیت زندگی خانواده‌های روستایی یاد شده است (پورطاهری و دیگران، ۱۳۹۰، ۱۶).

یکی از راه‌های عملیاتی کردن مفهوم کیفیت زندگی، طراحی و تدوین شاخص‌های کیفیت زندگی است. در سه دهه گذشته، تلاش‌های زیادی برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی در مناطق گوناگون دنیا صورت گرفته و شاخص‌های متعددی برای سنجش کیفیت زندگی از سوی پژوهشگران، آژانس‌های دولتی، و رسانه‌های گروهی پیشنهاد شده است (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷، ۶).

شاخص‌های اندازه‌گیری کیفیت زندگی را می‌توان براساس سطوح تحلیل فرد، خانواده و جامعه دسته‌بندی کرد. در سطح معینی از تحلیل می‌توان کیفیت زندگی را برحسب شاخص‌های عمقی و سطحی، اندازه‌گیری کرد. شاخص‌های اندازه‌گیری فردی کیفیت زندگی در دو بعد شاخص‌های ذهنی در مقابل شاخص‌های عینی و شاخص‌های عمقی در مقابل شاخص‌های سطحی طبقه‌بندی می‌شوند (Kim, 2002, 51). به‌طور کلی مفهوم کیفیت زندگی دربرگیرنده شاخص‌های عینی و ذهنی است. شاخص‌های عینی براساس فراوانی یا کمیت

فیزیکی - مثل درآمد- اندازه گیری می شوند و شاخص های ذهنی براساس پاسخ های روانی همچون رضایت شغلی و خوشحالی- به صورت کیفی محاسبه می شوند. شاخص های ذهنی بینشی از رضایت فرد و آنچه برای مردم رضایت بخش است، به دست می دهند (خوارزمی، ۱۳۸۳، ۵).

در بحث کیفیت زندگی و سنجش آن، شناخت قلمروهای کیفیت زندگی از موضوعات محوری به شمار می آید. پژوهشگران تاکنون قلمروهای مختلفی را در این زمینه معرفی کرده اند. ریم (۲۰۰۰) مدلی را ارائه کرده که سلامتی و سرزندگی را به موازات هم و به عنوان دو بعد اصلی کیفیت زندگی در نظر می گیرد و محیط فیزیکی (کیفیت محیطی، ویژگی های فیزیکی و محل سکونت) و محیط اجتماعی (کیفیت اجتماعی، شیوه زندگی و ویژگی های فردی، و کیفیت محیط محلی) در آن زیرمجموعه دو بعد سلامتی و سرزندگی هستند (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۰، ۷۶). هاگرتی و همکارانش در سال ۲۰۰۱ اظهار کردند که هفت قلمرو شامل روابط با خانواده، بهزیستی عاطفی، بهزیستی مادی، سلامت، کار و فعالیت مولد، احساس بخشی از اجتماع بودن و امنیت شخصی، فضای کیفیت زندگی را به خوبی پوشش می دهند (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹، ۴۱). وینگوتو (۲۰۰۳) مدلی با نام «نظریه تلفیقی کیفیت زندگی» ارائه کرده است، که در آن ماهیت زندگی می تواند شامل طیفی از ذهنیات تا عینیات باشد. این طیف دربرگیرنده احساس رفاه، رضایت از زندگی، تعادل بیولوژیکی، درک توانایی های خود، تحقق نیازها و عوامل عینی از قبیل درآمد، ازدواج، و تحصیل است. به طور کلی این مدل بیان می کند که کیفیت زندگی شامل سه بعد اساسی ذهنی، عینی و بعد وجودی - یا هستی گرایانه - است که هر یک در تعامل با دیگری قرار دارد (پورطاهری و دیگران، ۱۳۹۰، ۱۷).

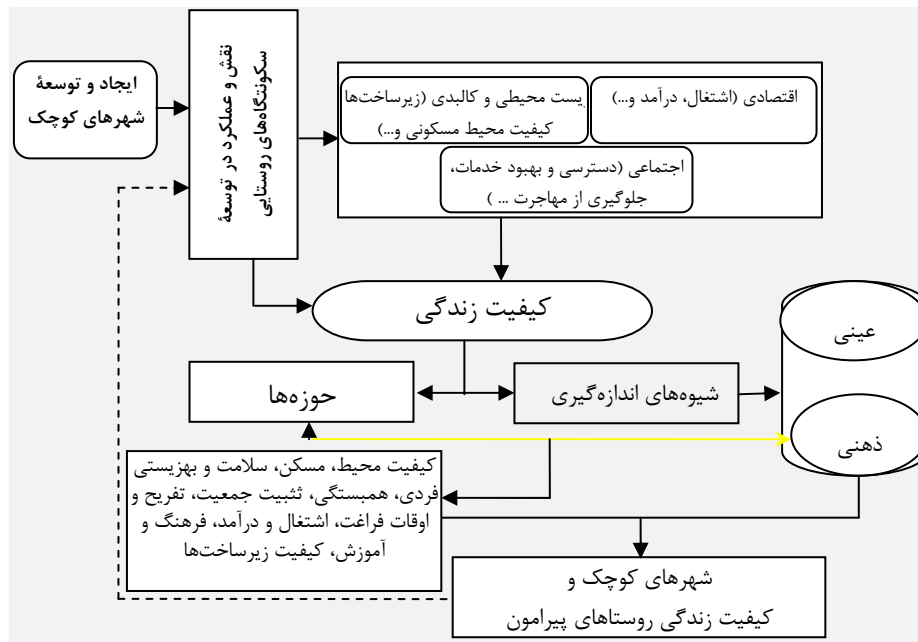
بدین ترتیب ملاحظه می شود که قلمروها و حوزه های مختلفی برای کیفیت زندگی و سنجش آن از سوی پژوهشگران و صاحب نظران این حوزه مطرح شده است. در این میان، بررسی و شناخت این قلمروها و ترکیب کردن شان با توجه به هدفی که پژوهشگر دنبال می کند، دارای اهمیت است.



هرچند که ارتقای کیفیت زندگی در مقیاس‌های فردی و اجتماعی در سکونتگاه‌های روستایی از دیرباز مورد توجه برنامه‌ریزان بوده، اما در دهه‌های اخیر با اولویت‌یافتن هدف اجتماعی توسعه و تدوین آنها در قالب برنامه‌های توسعه، به‌تدریج نگرش انسانی و جامعه‌شناختی به کیفیت زندگی در نوشتارهای توسعه و برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان کشورهای پیشرفته راه یافته است.

افزون بر این، جغرافی‌دانان و برنامه‌ریزان به محیط‌ها و مکان‌های مطلوب و دارای کیفیت مطلوب - همچون روستاهای سالم، خانه‌های سالم و زیست‌بوم‌های روستایی - پرداخته‌اند. وجه‌مشترک این دیدگاه‌ها را می‌توان چنین بیان کرد: کیفیت زندگی به عنوان اصطلاحی کلی، مفهومی برای نشان دادن چگونگی برآورده‌شدن نیازهای انسانی و نیز معیاری برای ادراک رضایت یا نارضایتی افراد و گروه‌ها از ابعاد مختلف زندگی در سکونتگاه‌هاست (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۰، ۷۲-۷۱).

با توجه به آنچه در مباحث نظری مطرح شد می‌توان گفت که سکونتگاه‌های روستایی تبدیل‌شده به شهر - در جایگاه کانون‌های کوچک شهری - در نظام سلسله‌مراتب شهری پیامدهای گوناگونی به‌دنبال دارند. توسعه و تقویت این‌گونه سکونتگاه‌ها می‌تواند توسعه ناحیه‌ای را به‌همراه داشته باشد. عملکرد توسعه‌ای شهرهای کوچک، روستاهای پیرامون را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و می‌تواند زمینه‌ساز توسعه و رشد این نواحی در ابعاد گوناگون شود. ازجمله نقش‌هایی که این کانون‌ها می‌توانند در نواحی روستایی داشته باشند، بهبود کیفیت زندگی ساکنان روستاهای پیرامون است. کیفیت زندگی به‌عنوان مفهومی چندبعدی به‌صورت معیارهایی از طریق داده‌های محیطی، اقتصادی و اجتماعی سنجش و تعیین می‌شود. نقش شهرهای کوچک در بهبود کیفیت زندگی اجتماعات روستایی را می‌توان بر مبنای شاخص‌های ذهنی و عینی اندازه‌گیری کرد، که در این پژوهش کیفیت زندگی بر مبنای شاخص‌های ذهنی مطالعه و سنجش شده است (شکل ۱).



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

## روش‌شناسی تحقیق

روش‌شناسی این مقاله، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر روش اسنادی و میدانی (پرسشنامه‌ای) است. به‌منظور دستیابی به هدف، از مجموع ۲۰ روستای واقع در محدوده بخش رونیز با توجه به معیارهایی نظیر جمعیت، فاصله تا شهر رونیز و نیز توزیع فضایی روستاها در محدوده مطالعاتی، تعداد ۸ روستا شامل روستاهای رونیزسفلی، دهویه، علی‌آباد، گرده، ماهفرخان، بنوان، محمدآباد و قشم‌قاوی به‌عنوان روستاهای نمونه انتخاب شدند. جامعه آماری این پژوهش را خانوارهای ساکن در روستاهای مذکور تشکیل می‌دهند. با استفاده از روش کوکران ۳۲۰ سرپرست خانوار به‌عنوان حجم نمونه تعیین شده و پرسشنامه را به‌صورت تصادفی در روستاها تکمیل کرده‌اند. حوزه‌ها و شاخص‌های انتخاب‌شده در این پژوهش، ۹ حوزه و ۴۲ شاخص است

(جدول ۱). سنجش پایایی پرسشنامه با بهره‌مندی از روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۶۷ و روایی برابر ۰/۷۱۳ محاسبه شده است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS (آمار توصیفی و استنباطی) استفاده شده است.

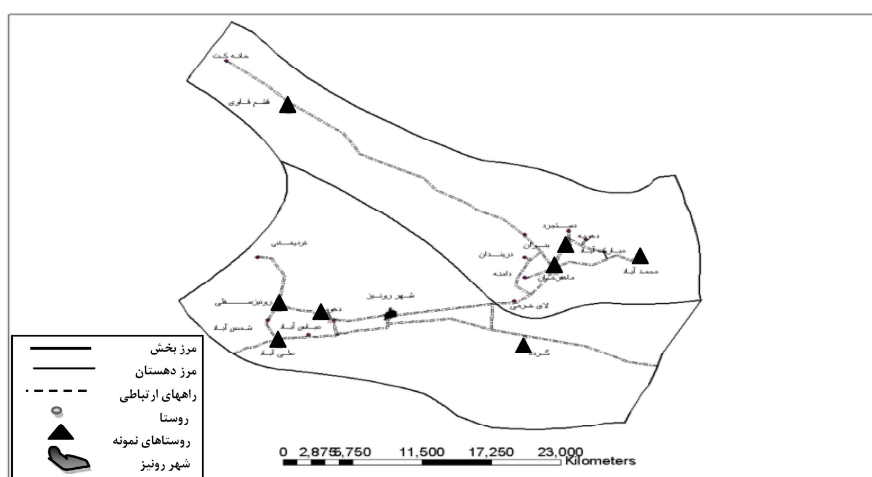
جدول ۱. حوزه‌ها و شاخص‌های تحقیق

شاخص	حوزه
بهبود کیفیت محیط روستا، جمع‌آوری و دفن مواد زائد، توسعه پارک و فضای سبز، تسریع پروژه‌های عمرانی	کیفیت محیط
بهبود کیفیت واحدهای مسکونی از لحاظ تجهیزات و امکانات، استفاده از مصالح بادوام در ساخت، توانایی تهیه مسکن، نظارت بر ساخت‌وساز	مسکن
دسترسی مناسب به خدمات بهداشتی-درمانی، بهبود کیفیت محصولات غذایی فروشندگان، افزایش امکانات رفاهی در روستا، امید به آینده، رضایت از زندگی	سلامت و بهداشتی فردی
مشارکت و همبستگی اهالی در مسائل مربوط به عمران روستا، پیوند و انسجام در روستا، تقویت نهادهای محلی	همبستگی
میل ماندن در روستا، میزان مهاجرت، تعلق به اجتماع	تثبیت جمعیت
دسترسی به امکانات و خدمات تفریحی، امکانات و خدمات ورزشی، امکانات و خدمات فرهنگی-هنری، توان انجام مسافرت	تفریح و اوقات فراغت
ایجاد فرصت‌های شغلی، تنوع اشتغال، امنیت شغلی، افزایش و امنیت درآمد، هزینه زندگی، قدرت خرید، پس‌انداز مناسب	اشتغال و درآمد
دسترسی به خدمات آموزشی، افزایش سطح سواد و تحصیلات، بهبود کیفیت مدارس، بهبود خدمات کمی مورد نیاز در مدارس، افزایش سطح فرهنگ عمومی، دسترسی به کتابخانه و روزنامه	فرهنگ و آموزش
بهبود راه‌های ارتباطی، دسترسی مناسب به وسایل نقلیه عمومی، دسترسی به خدمات مالی و اعتباری (نظیر بانک)، دسترسی مناسب به مراکز خرید و فروش، دسترسی به امکانات و خدمات ارتباطی (پست، مخابرات، اینترنت و مانند اینها)، دسترسی به کلاتری در مواقع اضطراری	کیفیت زیرساخت‌ها

### شناخت اجمالی محدوده مطالعه شده

محدوده مطالعه شده در این پژوهش بخش رونیز با مرکزیت شهر رونیز از بخش‌های شهرستان

استهبان (استان فارس) واقع در شرق شهرستان است. با استناد به آمار سال ۱۳۸۵ این بخش دارای دو دهستان رونیز و خیر، یک نقطه شهری و ۲۰ نقطه روستایی است، که ۲۲۸۲۴ نفر در آن سکونت دارند و ۲۶/۳ درصدشان در شهر رونیز و مابقی در روستاهای بخش ساکن‌اند. جمعیت روستاهای نمونه تحقیق ۱۰۳۷۰ نفر گزارش شده است، که روستاهای رونیزسفلی و دهویه به ترتیب دارای بیشترین و کمترین جمعیت هستند.



شکل ۲. موقعیت محدوده مطالعه شده و روستاهای نمونه

## یافته‌ها

- یافته‌های توصیفی نشان می‌دهند که از مجموع ۳۲۰ نفر پاسخگو، ۹۱/۷ درصد مرد و ۸/۳ درصد را زنان تشکیل می‌دهند، و بررسی وضعیت سن آنها نیز بیان می‌کند که ۴۱/۶۷ درصد در گروه سنی ۳۰-۴۴ سال، ۴۸/۸۹ درصد در گروه سنی ۴۵-۶۰ سال و ۹/۴۴ درصد در گروه سنی ۶۰ سال و بیشتر قرار دارند. سطح تحصیلات ۲۰ درصد پاسخگویان ابتدایی، ۲۳/۸۹

درصد راهنمایی، ۴۷/۲۲ درصد متوسطه و ۸/۸۹ درصد لیسانس و بالاتر است. وضعیت شغلی پاسخگویان بیانگر آن است که ۴۰/۵۶ درصد کشاورز و دامدار، ۳۵/۵۶ درصد در شغل‌های خدماتی، ۱۳/۸۹ درصد در مشاغل اداری، و ۳/۸۹ درصد بازنشسته‌اند، ۶/۱۱ درصد نیز شغل خود را بیان نکرده‌اند.

تحلیل نقش شهر رونیز در بهبود کیفیت زندگی بر اساس آزمون آماری T تک‌نمونه‌ای انجام شد. همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده، شهر رونیز توانسته است نقش مؤثری در بهبود کیفیت زندگی روستاهای نمونه در حوزه‌های کیفیت محیط، مسکن، سلامت و بهزیستی فردی، همبستگی، تثبیت جمعیت، آموزش و فرهنگ و نیز کیفیت زیرساخت‌ها داشته باشد، اما در دو حوزه تفریح و اوقات فراغت، و حوزه اشتغال و درآمد نقش مؤثری نداشته است.

جدول ۲. محاسبه آماری نقش شهر رونیز در بهبود حوزه‌های کیفیت زندگی روستاهای پیرامون

میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار T	حوزه
۳/۰۶۸۷۵	۰/۰۰۰	۳۱۹	۵۰/۶۵۵	کیفیت محیط
۲/۹۵۳۱۳	۰/۰۰۰	۳۱۹	۴۳/۳۵۷	مسکن
۳/۱۰۷۵۶	۰/۰۰۰	۳۱۹	۴۴/۰۲۴	سلامت و بهزیستی فردی
۳/۰۳۳۳۳	۰/۰۰۰	۳۱۹	۳۵/۵۱۳	همبستگی
۲/۹۲۹۱۷	۰/۰۰۰	۳۱۹	۴۰/۴۱۴	تثبیت جمعیت
۲/۴۲۸۱۳	۰/۰۰۰	۳۱۹	۴۰/۱۲۲	تفریح و اوقات فراغت
۲/۴۷۵۳۸	۰/۰۰۰	۳۱۹	۳۸/۴۱۷	اشتغال و درآمد
۳/۰۹۳۶۲	۰/۰۰۰	۳۱۹	۵۲/۹۱۱	فرهنگ و آموزش
۳/۳۵۱۲۵	۰/۰۰۰	۳۱۹	۵۶/۹۶۱	کیفیت زیرساخت‌ها
۲/۹۳۸۸۹	۰/۰۰۰	۳۱۹	۶۸۱/۶۳	کل

منبع: یافته‌های تحقیق

- بررسی نقش شهر رونیز در بهبود کیفیت زندگی روستاهای نمونه با توجه به مقدار P value محاسبه شده در روش تحلیل واریانس نشان می‌دهد که در هر ۹ حوزه کیفیت زندگی ( $P \text{ value} < 0/05$ ) تفاوت معناداری بین روستاهای نمونه وجود دارد (جدول ۳).

جدول ۳. آزمون تحلیل واریانس بین حوزه‌های مطالعه شده

حوزه	سطح معناداری	جمع مجذورات		میانگین مجذورات	
		بین گروهی	درون گروهی	بین گروهی	درون گروهی
کیفیت محیط	۰/۰۰۰	۵۸/۴۶	۳۴/۹۱	۸/۳۵۲	۰/۲۳۰
مسکن	۰/۰۰۰	۵۶/۸۱	۶۱/۲۱	۸/۱۲	۰/۴۰۳
سلامت و بهزیستی فردی	۰/۰۰۰	۶۳/۸۱	۶۲/۹۰	۹/۱۲۱	۰/۴۱۴
مشارکت و همبستگی	۰/۰۰۰	۱۸۱/۶۵	۷۳/۹۴	۱۵/۹۵	۰/۴۸۶
تثبیت جمعیت	۰/۰۰۰	۶۹/۴۸	۶۴/۱۶۷	۹/۹۳	۰/۴۲۲
تفریح و اوقات فراغت	۰/۰۰۰	۲۹/۷۷	۶۳/۴۱	۴/۲۵	۰/۴۱۷
اشتغال و درآمد	۰/۰۰۰	۳۱/۸۵	۷۲/۱۶	۴/۵۵	۰/۴۷۵
فرهنگ و آموزش	۰/۰۰۰	۴۳/۶۶	۴۳/۳۱	۶/۲۴	۰/۲۸۵
کیفیت زیرساخت‌ها	۰/۰۰۰	۲۲/۳۷	۶۵/۶۹	۳/۱	۰/۴۳۲

منبع: یافته‌های تحقیق

- تحلیل وضعیت روستاهای نمونه از لحاظ نقش شهر رونیز در هر یک از حوزه‌های کیفیت زندگی آنها بر اساس آزمون توکی بیانگر آن است که در حوزه کیفیت محیط می‌توان روستاهای را در ۵ سطح طبقه‌بندی کرد، که روستای دهویه در سطح ۱، روستای رونیزسفلی در سطح ۲، ماهفرخان و علی‌آباد در سطح ۳، بنوان و گرده در سطح ۴ و روستاهای محمدآباد و قشم‌قاوی در سطح ۵ قرار دارند. در حوزه مسکن در سطح ۱ روستاهای دهویه، رونیزسفلی، علی‌آباد و ماهفرخان، در سطح ۲ بنوان و گرده و در سطح ۳ محمدآباد و قشم‌قاوی، در حوزه سلامت و بهزیستی فردی، در سطح ۱ روستاهای دهویه، در سطح ۲ ماهفرخان و علی‌آباد، در سطح ۳ رونیز سفلی، گرده و بنوان و در سطح ۴ روستاهای محمدآباد و قشم‌قاوی قرار دارند. در حوزه همبستگی، دهویه، رونیزسفلی، ماهفرخان و بنوان در سطح ۱، علی‌آباد و گرده در سطح ۲ و دو روستای دیگر در سطح ۳ هستند. در حوزه تثبیت جمعیت، روستاهای دهویه و ماهفرخان در سطح ۱ و ۲، در سطح ۳ رونیزسفلی، بنوان و علی‌آباد، در سطح ۴ گرده و محمدآباد و در سطح ۵ روستای قشم‌قاوی، در حوزه تفریح و اوقات فراغت، روستای دهویه در سطح ۱، رونیزسفلی،

ماهفرخان و علی‌آباد در سطح ۲ و سایر روستاها در سطح ۳، در حوزه اشتغال و درآمد، دهویه در سطح ۱، علی‌آباد و رونیزسفلی در سطح ۲، ماهفرخان در سطح ۳ و سایر روستاها در سطح ۴، در حوزه فرهنگ و آموزش دهویه در سطح ۱، گرده و قشم‌قاوی در سطح ۳ و سایر روستاها در سطح ۲ و نهایتاً در حوزه کیفیت زیرساخت‌ها، دهویه در سطح ۱، ماهفرخان و علی‌آباد در سطح ۲ و سایر روستاها در سطح ۳ قرار گرفته‌اند (جدول ۴).

جدول ۴. طبقه‌بندی روستاهای نمونه بر مبنای هر یک از حوزه‌های کیفیت زندگی

روستا	کیفیت محیط	مسکن	سلامت و...	همبستگی	تثبیت جمعیت	فراغت و اوقات فراغت	درآمد اشتغال و	سین فرهنگ و زیست	کیفیت محیط
دهویه	*	*	*	*	*	*	*	*	*
رونیزسفلی	**	*	***	*	***	**	**	**	***
ماهفرخان	***	*	**	*	**	**	***	**	**
علی‌آباد	***	*	**	*	***	**	**	**	**
بنوان	****	**	***	*	***	***	****	**	***
گرده	****	**	***	*	***	***	***	***	***
محمدآباد	*****	***	***	***	***	***	****	**	***
قشم‌قاوی	*****	***	***	***	***	***	****	***	***

\*: سطح ۱، \*\*: سطح ۲ و ...

- در مجموع، وضعیت روستاهای نمونه از لحاظ نقش شهر رونیز در تمامی حوزه‌های کیفیت زندگی آنها بر اساس آزمون توکی در ۴ طبقه دسته‌بندی شده است (جدول ۵). بر این اساس ملاحظه می‌شود که شهر رونیز بیشترین نقش را در بهبود کیفیت زندگی روستای دهویه، و در مراتب بعد در روستاهای رونیز سفلی، ماهفرخان و علی‌آباد داشته و کمترین نقش مربوط به دو روستای قشم‌قاوی و محمدآباد بوده است.

جدول ۵. طبقه‌بندی روستاهای نمونه از لحاظ نقش شهر رونیز در بهبود کیفیت زندگی

معناداری در سطح آلفا ۰/۰۵				روستا
۴	۳	۲	۱	
			۳/۷۴۵	دهویه
		۳/۲۴۵		رونیزسفلی
		۳/۲۴۲		ماهفرخان
		۳/۲۲۸		علی‌آباد
	۲/۹۸۵			بنوان
	۲/۶۷۸			گرده
۲/۲۷۵				محمدآباد
۲/۱۱۰				قشم‌قاوی

منبع: یافته‌های تحقیق

- تحلیل رابطه فاصله روستاهای نمونه تا شهر رونیز و شاخص کیفیت زندگی محاسبه شده برای آنها بیانگر وجود رابطه غیرمستقیم معنادار آماری در سطح آلفا ۰/۰۱ است، به طوری که با افزایش فاصله از شهر، شاخص کیفیت زندگی کاهش می‌یابد. بنابراین میزان فاصله از شهر رونیز عامل بسیار مؤثری بر سطح کیفیت زندگی در روستاهای نمونه به شمار می‌آید (جدول ۶).

جدول ۶. ضریب همبستگی بین فاصله و شاخص کل کیفیت زندگی

مؤلفه	ارزش‌ها	فاصله	کیفیت زندگی
فاصله	همبستگی پیرسون	۱	-۰/۱۸۵۶ (**)
	سطح معناداری	۰	۰/۰۰۷
	تعداد	۸	۸
کیفیت زندگی	همبستگی پیرسون	-۰/۱۸۵۶ (**)	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۷	۰
	تعداد	۸	۸

\*\* Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed)

منبع: یافته‌های تحقیق



- بررسی و تحلیل رضایت از کیفیت زندگی ساکنان روستاهای پیرامون در دو مقطع قبل و بعد از شهرشدن رونیز بر اساس آزمون آماری ویلکاکسون حاکی از آن است که تفاوت معناداری بین رضایت آنها از کیفیت زندگی‌شان در دو مقطع مذکور وجود دارد و نشان از افزایش رضایت‌مندی ساکنان از کیفیت زندگی‌شان بعد از شهرشدن رونیز دارد (جدول ۷).

جدول ۷. آماره رضایت از کیفیت زندگی قبل و بعد از شهرشدن رونیز

ارزش‌ها	قبل و بعد از شهرشدن رونیز
Z	-۳/۰۴۷
Sig	۰/۰۰۲

منبع: یافته‌های تحقیق

## نتیجه‌گیری

طی چند دهه گذشته، راهبردهای متعددی برای توسعه روستایی مطرح شده، که یکی از آنها که دارای رویکرد فضایی است، راهبرد ایجاد و تقویت شهرهای کوچک است. پژوهشگران و برنامه‌ریزان حوزه مذکور بر این باورند که کانون‌های کوچک شهری به‌عنوان حلقه اتصال نواحی روستایی با شهرهای بزرگ می‌توانند بسیاری از مشکلات نواحی روستایی پیرامون را برطرف کنند و توسعه این نواحی را در ابعاد و قلمروهای مختلف به‌همراه داشته باشند. از جمله تأثیرات و پیامدهایی که انتظار می‌رود با تقویت شهرهای کوچک در روستاهای پیرامونی اتفاق بیفتد، بهبود کیفیت زندگی این نواحی است. بر همین اساس در پژوهش حاضر با انتخاب ۴۲ شاخص در قالب ۹ حوزه کیفیت زندگی، نقش شهر رونیز در بهبود کیفیت زندگی روستاهای پیرامونی تبیین شد. نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان داد که شهر رونیز جز در دو حوزه تفریح و اوقات فراغت و نیز حوزه اشتغال و درآمد که بهبود چندانی فراهم نیاورده، در ۷ حوزه دیگر توانسته است بهبود ایجاد کند. بر اساس دیدگاه پاسخگویان، با شهرشدن رونیز، رضایت‌مندی روستاییان پیرامون از کیفیت زندگی‌شان افزایش یافته است. تحلیل نقش رونیز در بهبود هر یک از

حوزه‌های مطالعاتی نشان از آن دارد که بیشترین بهبود به ترتیب مربوط به حوزه‌های کیفیت زیرساخت‌ها، بهزیستی فردی، و آموزش و فرهنگ در روستاهاست.

بررسی وضعیت کیفیت زندگی روستاها تحت تأثیر نقش شهر رونیز، نشان داد که بین روستاهای نمونه تفاوت معناداری وجود دارد و روستای دهویه بیشترین تأثیر و روستای قشم‌قاوی کمترین تأثیر را از شهر رونیز در حوزه بهبود کیفیت زندگی پذیرفته‌اند. به‌طور کلی روستاهای نمونه را می‌توان در چهار سطح طبقه‌بندی کرد، روستای دهویه در سطح یک، علی‌آباد، ماهفرخان و رونیزسغلی در سطح دو، بنوان و گرده سطح سه و روستاهای قشم‌قاوی و محمدآباد در سطح چهار قرار می‌گیرند. عامل فاصله از شهر رونیز نقش مؤثری در سطح کیفیت زندگی روستاهای نمونه داشته، به‌طوری‌که با کاهش فاصله روستاها از شهر، سطح کیفیت زندگی آنها افزایش و با افزایش فاصله سطح کیفیت زندگی تنزل می‌یابد. در مجموع، نتایج این پژوهش با مطالعات و یافته‌های فنی (۱۳۸۲)، قادرمرزی (۱۳۸۳)، رضوانی و دیگران (۱۳۸۹)، جمعه‌پور و دیگران (۱۳۹۰) و مفروضات راندینلی، هیندردینک، تیتوس و تیورا در مورد نقش و عملکرد شهرهای کوچک در توسعه سکونتگاه‌های روستایی همسویی دارد.

## منابع

- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، فتاحی، احد، حاجی‌پور، مجتبی، ۱۳۹۰، ارزیابی توزیع فضایی کیفیت زندگی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان دلفان استان لرستان)، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۶، صص. ۹۴-۶۹.
- امکچی، حمیده، ۱۳۸۳، شهرهای میانی و نقش آنها در چارچوب توسعه ملی، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول.
- ایزدی خرامه، حسن، ۱۳۸۰، نقش تبدیل روستاها به شهر در توسعه روستایی مورد: استان فارس، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس.
- باقری، اشرف‌السادات، ۱۳۷۵، کارکردهای شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای، مطالعه موردی نجف‌آباد و خمینی‌شهر، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران.

فصلنامه پژوهش‌های روستایی \_\_\_\_\_ دوره ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲

پورطاهری، مهدی، افتخاری، عبدالرضارکن‌الدین، فتاحی، احد، ۱۳۹۰، ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان خاوه شمالی استان لرستان)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۷۶، صص. ۱۳-۳۲.

تقوایی، مسعود و مریم رضایی، ۱۳۸۷، نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای، فصلنامه بنا، شماره ۳۷، صص. ۳۸-۴۸.

جعفرزاده راستین، مهرداد، ۱۳۶۶، جمعیت و شهرنشینی، مرکز آمار ایران.

خوارزمی، شهیندخت، ۱۳۸۳، کیفیت زندگی و الزامات عصر دیجیتال در ایران، روزنامه دنیای اقتصاد، تهران.

رضوانی، محمدرضا، منصوریان، حسین، ۱۳۸۷، سنجش کیفیت زندگی، بررسی مفاهیم، شاخص‌ها مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱ شماره ۳.

رضوانی، محمدرضا، منصوریان، حسین و احمدی، فاطمه، ۱۳۸۹، ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی؛ مطالعه موردی شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره اول، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.

زبردست، اسفندیار، ۱۳۸۳، اندازه شهر، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول.

فنی، زهره، ۱۳۸۲، شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، چاپ اول.

کلانتری، خلیل، ۱۳۸۰، برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها)، انتشارات خوشبین، چاپ اول.

لینچ، کوین، ۱۳۸۵، روابط شهر و روستا در کشورهای در حال توسعه، ترجمه محمدرضا رضوانی و داوود شیخی، انتشارات پیام، چاپ اول.

مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱، گزیده اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۰.

Hinderdink, J. and Titus, M., 1998, **Paradigms of Regional Development and the Role of Small Centers**, Thela Thesis, Amsterdam.

- Kim, K., 2002, **The Effects of Tourism Impacts upon Quality of Residents in the Community**, Ph.D. Dissertation, Blacksburg, Virginia: Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University.
- Lin, C.S., 1993, **Small tTowns in Socialist China: a functional analysis**, Geoforum, Vol. 24, No. 3, PP. 327-338.
- McGillivray, M., 2007, **Human Well-Being, Concept and Measurement**, New York: Palgrave MacMillan.
- Pal, A.K. and Kumar, U.C, 2005, **Quality of Life Concept for the Evaluation of Societal Development of Rural Community in West Bangal, India**, Rural Development, Vol. xv, No.
- Parker, J.S. and Moore, R.H., 2008, **Conservation Use and Quality of Life in Rural Community: an extension of Goldschmidt's findings**, Southern Rural Sociology, Vol. 23, No. 1, PP. 235-265.
- Tuerah, N., 1997, **Rural-Urban Linkages and Development: A Case Study of North Sulwest, Indonesia**, The University of British Columbia.
- United Nations Population fund, 2007, **State of World Population 2007**, Unlashing the Potential of Urban Growth, New York, UNFPA.
- Weitze, R., 1965, **Rural Planning in Development Countries**, London: Outedge and Kegan Paul.
- Zielinska Wczkowska, H. and dziora-Kornatowska, K.W., 2010, **Evaluation of Quality of Life (QoL) of Students of the University of Third Age (U3A) on the Basis of Socio-demographic Factors and Health Status**, Archives of Gerontology and Geriatrics, PP. 1-5.